

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره 1، بهار 1393، پیاپی 7

صفحات 3-17

تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی

مورد: دهستان غنی بیگلو، شهرستان زنجان

مجتبی قدیری معصوم*، استاد دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
مهدی چراغی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
نسرین کاظمی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
زهره زارع، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.

پذیرش نهایی: 1393/1/20

دریافت مقاله: 1392/10/12

چکیده

فعالیت کارآفرینانه در مناطق روستایی، به رغم وجود زمینه‌های مناسب و متنوع، نهادینه نشده است، زیرا موانع و محدودیت‌های گوناگون، افراد کارآفرین را به نواحی خارج از سکونتگاه‌های روستایی ترغیب نموده است. در همین راستا در تحقیق حاضر به بررسی مهمترین موانع توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی شهرستان زنجان پرداخته شده است. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر درجه نظارت و کنترل میدانی و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل خانوارهای روستایی دهستان غنی بیگلو می‌باشد، این دهستان در سرشماری سال 1390 دارای 33 روستا، 2330 خانوار و 9843 نفر جمعیت بوده که نمونه مورد بررسی 195 خانوار در 12 روستا از این دهستان است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (برسشنامه) بوده است و با استفاده از تحلیل عاملی تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عامل اقتصادی، فردی و زیرساختی با توجه 13.64 درصد واریانس، مهمترین مانع توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی می‌باشد. ضمن اینکه پایین بودن احساس تعلق مکانی، عدم فرصت‌های مناسب اشتغال، عدم سرمایه کافی، پایین بودن ریسک اشتغال و امکان تغییر شغل در نواحی روستایی از محدودیت‌های مهم توسعه کارآفرینی در روستاهای مورد مطالعه بوده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، مناطق روستایی، محدودیت‌ها، فرصت‌ها.

1) مقدمه

بحران بیکاری به عنوان یک معضل، تمام جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی اثرات غیرقابل جبرانی بر جای می‌گذارد. گرچه علل و نیز راه حل و درمان این معضل برای ما به روشنی مشخص نیست، با این وجود مشکلات اقتصادی و در صدر آن بیکاری، نقش مهمی در ایجاد و افزایش سایر معضلات دارد. حل این مشکل، سیاست‌گذاران غالب کشورها را با چالش‌های بزرگی روبه‌رو کرده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت ثبات و زوال برخی از دولت‌ها در گرو حل بحران بیکاری می‌باشد (صالحی و برادران، 1385: 184).

مطالعات نشان داده نواحی روستایی ایران در زمینه اشتغال با مشکلات عدیده‌ای روبرو بوده و از دیدگاه بسیاری از محققان کمبود فرصت‌های کارآفرینی یکی از مهمترین موانع دستیابی به توسعه پایدار در این نواحی به شمار می‌رود. در همین راستا محققان تأکید بر شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی دارند. در حالی که نتایج و بررسی محققان نشان می‌دهد توجه جدی به مقوله‌ی کارآفرینی، به برخی پیامدها مانند افزایش فرصت‌های شغلی، گسترش رقابت سالم، رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و افزایش سطح رفاه اجتماعی - اقتصادی (Azizi et al, 2010, 78, Oosterbeek et al, 2010,) و کاهش فقر (Naude, 2009, 14; Banerjee, 2007, 21, Saleh, 2011, 574) منجر خواهد شد، اما وجود موانعی در نواحی روستایی کشور باعث عدم دستیابی به موارد ذکر شده می‌شود.

بررسی منابع مرتبط با کارآفرینی در رشته‌ها و جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد که کارآفرینی کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها، پیش‌بینی و ارزیابی ریسک‌ها، تغییر و نوآوری در تولید کالاها و خدمات، ابتکار برای تغییر ساختارهای قدیمی و خلق ایده‌های جدید، مقاومت، تلاش برای شکستن مرزها و موانع جهت ایجاد مسیرهای جدید پویا و نهایتاً تکامل تدریجی و خلق دانشی جدید برای الهام بخشیدن به دیگران است. تغییر و نوآوری اجزای اصلی کارآفرینی است و شومپیتر اظهار می‌کند: «انجام کارهای جدید مشکل است.» و ریسک‌پذیری در جوامع روستایی پایین است، این امر پذیرش نوآوری را در جوامع روستایی با محدودیت مواجه می‌سازد. در مقابل این ادعا، برخی منابع ذکر می‌کنند که دامنه و سرعت تحولات اجتماعی به طیف وسیعی از روستاها نیز رسیده، بنابراین امروزه موانع ترویج نوآوری‌ها در روستاها به ندرت می‌توانند به نگرش‌های محافظه‌کارانه‌ی روستاییان نسبت داده شود. از این رو اغلب مشکلات در این زمینه می‌تواند به دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی این جوامع باشد. از آنجا که، پذیرش از جانب روستائیان از الزامات اصلی در انتشار نوآوری است، بنابراین باید نوآوری‌ها در جوامع روستایی ترویج شوند که با شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی این جوامع سازگار باشند (Brenkert, 2009,) (Agrawal, 1983, Marsden & Smith, 2005, Landstrom et al, 2012, Entrialgo et al., 2000). این اساس تحقیق حاضر در پی پاسخ این سوال است که مهمترین موانع توسعه کارآفرینی در نواحی

روستایی کدامند و هر کدام از این عوامل تا چه میزان توجیه کننده عدم توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی می‌باشد؟

(2) مبانی نظری

ریشه لغت کارآفرین فعل فرانسوی *Entrepreneure* است، که به معنی به عهده گرفتن است (Lordkipanidze et al, 2005). نزدیک به نیم قرن است که کارآفرینی به عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه، بسیاری از اقتصاددانان در توسعه مفاهیم مرتبط با کارآفرینی نقش داشته‌اند اما ایده‌های شومپیتر¹ در مورد تغییر و نوآوری بحث‌های مربوط به کارآفرینی را آغاز کرده است. همراه با رشد علوم مرتبط با کارآفرینی، شرایط و زمینه‌های مناسب جهت رشد کارآفرینی فراهم شد. اکثر منابع، عناصر و ویژگی‌های بسیاری برای کارآفرینی ذکر کرده‌اند که نوآوری و تغییر در همه آنها مشترک است. این دو ویژگی اشاره به ایجاد فرصت‌های جدید، پیش‌بینی برای مقابله با ریسک‌های بالقوه در فرایند کسب و کار و بهبود شرایط موجود دارد (Gunes, 2012, Lordkipanidze et al, 2005, Minniti, 2012, Martin & Levesque, 2008, Entrialgo et al, 2000, Hall et al, 2010, Landstrom et al, 2012, Martin et al., 2012). تغییر و نوآوری در تمامی دوران‌های تاریخی وجود داشته است، اما در سال‌های اخیر، با توجه به شتاب در روند تغییرات در تمامی زمینه‌ها، نیاز به این امر حتی در جوامع روستایی نیز اجتناب‌ناپذیر است. اگرچه کارآفرینی تنها دلیل توسعه نیست، اما برای توسعه ضروری است (Entrialgo et al, 2000, Gries & Naude, 2011, Martin et al, 2012).

سائر در سال 1986، با در نظر گرفتن کارآفرینی به عنوان الگوی توسعه اقتصادی، توسعه کارآفرینی روستایی را فرآیند تشویق کشاورزان کارآفرین، کمک مدیریتی و فنی به کارآفرینان روستایی، حمل و نقل روستایی، خدمات ارتباطی و اطلاعاتی روستایی و مدیریت منابع طبیعی تعریف می‌کند (هاشمی، 1390: 41). در همه جای دنیا به ویژه در کشورهای در حال توسعه، یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد یعنی کشاورزی در اختیار روستاییان قرار دارد و آنها اصلی‌ترین ایفاکنندگان نقش در این بخش اقتصادی هستند. با این حال اغلب آنها خصوصیات مانند درون‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری و ثبات در برابر تغییرات را دارند و به همین دلیل مایل به ریسک‌پذیری در قالب فعالیت‌های کارآفرینی نیستند و اغلب دارای شیوه زندگی سنتی و معیشتی‌اند که مانع از نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی می‌شود و آنان به عنوان سرپرستان خانوارهای روستایی در شیوه‌ها و الگوهای سنتی کسب و کار فعالیت می‌کنند. آرنوف و وارد (1997) این نوع کسب و کار را الگویی ایستا و آسیب‌پذیر می‌نامند که در برابر تغییرات ثابت عمل می‌کند. بر این اساس، در مناطق روستایی، به رغم وجود افراد خلاق، نوآور و کوشا، سبک فعالیت کارآفرینانه نهادینه

¹ Schumpeter's ideas

نشده است، زیرا موانع و محدودیت‌های گوناگونی مانند ناآشنایی از عدم پذیرش و تشویق و نیز تأمین مالی کشاورزان، ارائه پیشنهادها و طرح‌های بدون نقشه قبلی و طراحی نشده، عدم پاسخ سریع به ایده‌ها و پیشنهادها، فقدان سیستم پیشنهادها، عدم اطمینان از سرقت ایده‌ها، فقدان دورنمای مشترک از نوآوری، وجود تنش و نارضایی، انزوای مدیریت ارشد، عدم دسترسی به اطلاعات موثق و شفاف، ساختار مکانیکی، فقدان فرهنگ حمایت از کارآفرینی، فاصله با بازار و خدمات، شکاف در دسترسی به سرمایه، کاهش فرصت‌های شبکه‌ای و ارتباطی، نبود خوشه‌های صنعتی تسریع‌کننده نوآوری، گسستگی‌های درونی میان جامعه روستایی، ناآگاهی از چگونگی استفاده از دانش، منابع و شبکه‌های موجود برای ورود به محیط جدید، همه و همه سبب اندک بودن تعداد افراد کارآفرین در بین روستاییان شده است. در نتیجه، سیاست‌ها و راهکارهای مهمی که می‌تواند در فرایند کارآفرینی روستایی، شکل موثری داشته باشد و منجر به توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی شود، عبارت‌اند از: توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، انجام توأم تحقیق و توسعه، افزایش کیفیت نیروی انسانی افزایش کیفیت مدیریت، توسعه آموزش (با تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌های آموزش مهارت‌ها) و توسعه تکنولوژی (فرجی سبکبار و همکاران، 1390: 55).

استوفولو و همکاران (2004) فرآیندهای کارآفرینی روستایی را با توجه به ماهیت محیط روستا شامل سه مرحله درک یا ایجاد یک فرصت اقتصادی، عملیاتی کردن فرصت اقتصادی و پیامدها و نتایج کارآفرینی می‌دانند که در شکل 1 نشان داده شده است. مرحله اول که تحت عنوان درک یا ایجاد یک فرصت اقتصادی است، اشاره به فعالیت‌های کارآفرین برای تشخیص یا ایجاد فرصت اقتصادی جدید دارد. مرحله دوم یا تأسیس کسب و کار، تصمیم کارآفرین برای اجرا و تحقق فرصت حاصل شده و واقعیت بخشی به آن را به تصویر می‌کشد. در مرحله سوم کارآفرین به ارزشیابی و ارزیابی عملکرد کسب و کار جدید نسبت به اهداف و انتظارات خود می‌پردازد.

شکل شماره (1): ویژگی‌های اصلی زندگی روستایی به عنوان یک محیط کارآفرین



منبع: دربان آستانه و همکاران، 1391: 36.

پترین، کارآفرینی روستایی را به سه صورت تعریف می‌نماید: اول، کارآفرینی به عنوان نیرویی که می‌تواند، منابع دیگر را به یک تقاضای بی‌پاسخ بازار، بسیج کند؛ دوم، نوعی توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ است و سوم، فرایند خلق ارزش، به وسیله‌ی ترکیب مجموعه‌ی واحدی از منابع در راستای بهره‌گیری از یک فرصت (خانی و همکاران، 1390: 173).

کارآفرینان در جوامع روستایی برای شکل دادن به فعالیت‌های خود و خلق یا رشد این فعالیت‌ها نیاز به حمایت دارند، بیشتر این جوامع از آمادگی لازم برای تأمین نیازهای ضروری مانند سرمایه، فناوری و اطلاعات برخوردار نیستند. در نتیجه برای کمک به جوامع روستایی در توسعه، یک مدل نظریه‌ای کارآفرینی لازم است که خود نیازمند شناخت متغیرهای وابسته و رابطه میان آنهاست. از این رو مهمترین راهبردهای تقویت‌کننده کارآفرینی محلی عبارتند از: ایجاد محیط و زمینه‌های پیش از کارآفرینی (ظرفیت‌سازی)؛ ایجاد زمینه خودباوری (توانمندسازی) و شدت‌بخشی به رشد از طریق تحرک‌بخشی (افتخاری و همکاران، 1389: 5). بر این اساس، کارآفرینی در بخش روستایی می‌تواند نظمی نوین را برای کار در مناطق روستایی پیش‌بینی کند که از چندین جنبه دارای اهمیت است: نخست اینکه افراد و گروه‌های کاری در محیط روستا توانایی کنترل بیشتری بر کار خود خواهند داشت و برای استفاده از آن در جهت رفع نیازهای خود، از جمله نیاز به رشد و توسعه سالم، فرصت‌های بیشتری به دست خواهند

آورد؛ دوم اینکه کار افراد و گروه‌ها نه تنها در زمینه اموری که با اهداف آنان بیگانه است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه موجب استثمار و زیان دیگران نیز نخواهد شد؛ و سوم اینکه، با محیط زیست سازگارتر است و بدین ترتیب کار با محیط طبیعی و زیست انسانی هماهنگ خواهد بود و طبیعت را تخریب نخواهند کرد (افتخاری و همکاران، 1388: 47).

رضوانی و نجارزاده (1387) در مطالعه‌ای به سنجش میزان آشنایی روستاییان با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که نیمی از روستاییان آشنایی بسیار کمی با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی دارند. بنابراین آموزش و آماده‌سازی محیط اجتماعی و اقتصادی روستاها جهت تقویت کارآفرینی ضروری بوده است.

غنیان و همکاران (1390)، فضایی کارآفرینی در گردشگری روستایی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین سطح مشارکت گردشگری را در منطقه، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که عواملی چون علاقه‌مندی به تأسیس بنگاه‌های اقتصادی مرتبط با گردشگری، تأسیس و گسترش شبکه‌های تولیدی محلی بین صاحبان کسب و کار و وجود امنیت مناسب در سطح منطقه برای کارآفرینان و گردشگران از دیدگاه مردم محلی، در قیاس با دیگر عوامل مرتبط با فضای کارآفرینی، جایگاه و اهمیت بالاتری دارند.

دربان آستانه و همکاران (1391)، ارتباط بین عملکرد سازمانی و مهارت‌های کارآفرینی مدیران محلی روستایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که مهارت کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه در حد متوسط است. هم‌چنین بین مهارت‌های کارآفرینی و عملکرد دهیاری‌ها، سطح تحصیلات، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در دوره‌های آموزشی دهیاران، درآمد کارآفرین و خانواده وی و نیز میزان تعامل با نهادها و سازمان‌های مرتبط، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

محمدی یگانه و همکاران (1391) در تحقیقی به بررسی فضای کارآفرینی دریافت‌کنندگان اعتبارات کشاورزی پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی بوده است که وجود فضای کارآفرینی مطلوب یکی از عوامل موثر در توسعه کارآفرینی و کاهش انحراف در مصرف اعتبارات می‌باشد.

ریجکرس و کاستا (2012)، جنسیت و کارآفرینی غیر کشاورزی را در مناطق روستایی بنگلادش، اتیوپی، اندونزی و سریلانکا بررسی و تحلیل کرده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داده است که به استثنای اتیوپی، زنان نسبت به مردان تمایل کمتری به کارآفرینی غیرکشاورزی دارند. کارآفرینی غیرکشاورزی در زنان ارتباطی با ترکیب خانوار و دسترسی به امکانات آموزشی ندارد. به جز اندونزی بنگاه‌های اقتصادی ایجاد شده توسط زنان کوچک‌تر بوده و بهره‌وری پایین‌تری داشته است.

پوون و همکاران (2012)، مقاله‌ای را تحت عنوان سرمایه اجتماعی و کارآفرینی زنان در مناطق روستایی ویتنام انجام داده‌اند. نتایج نشان داده است که سرمایه اجتماعی خانواده، احتمال کارآفرینی در

زنان را افزایش می‌دهد اما سرمایه اجتماعی نهادی تأثیر معکوسی دارد. هم چنین فاصله تا بازارهای عمومی به طور قابل ملاحظه‌ای احتمال کارآفرینی را در زنان بالا می‌برد و نیز دسترسی به سرمایه مثل وام‌های خرد مالی تأثیر مثبتی در این امر دارد.

3) روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر درجه نظارت و کنترل میدانی و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در تحقیق حاضر ابتدا برای بررسی موانع توسعه کارآفرینی، موانع مرتبط با کارآفرینی در چهار بعد فردی، اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی تقسیم بندی گردیده و مطابق جدول 1 معرف‌های مرتبط در قالب گویه‌هایی با مقیاس رتبه‌ای و فاصله‌ای طراحی و با 55 معرف به ارزیابی مهمترین موانع توسعه کارآفرینی پرداخته شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه)، روش تجزیه و تحلیل به صورت توصیفی و استنباطی (آزمون تحلیل عاملی) می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل خانوارهای روستایی دهستان غنی بیگلو می‌باشد، این دهستان در سرشماری سال 1390 دارای 33 روستا، 2330 خانوار و 9843 نفر جمعیت بوده است. به علت تعداد بالای روستاها و جهت مطالعه دقیق 12 روستای دهستان از طریق فرمول اصلاح شده کوکران انتخاب و با توجه به طبقه‌بندی جمعیتی روستاهای دهستان، تعداد نمونه هر طبقه جمعیتی مشخص شد. تعداد خانوار 12 روستای مورد مطالعه برابر با 1157 خانوار می‌باشد، با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه 195 خانوار به دست آمد.

جدول شماره (1): معرف‌های مهمترین موانع توسعه کارآفرینی

ابعاد	معرف‌ها
فردی	پائین بودن همکاری میان مردم روستا- عدم انتقال تجارب شخصی روستائیان در زمینه کارآفرینی- عدم آمادگی جهت پذیرش دیدگاه های مروجان- عدم تمایل جهت شرکت در کلاس های کارآفرینی- پائین بودن علاقه مندی جهت ایجاد کار جدید-عدم آشنایی با کامپیوتر و اینترنت- فقدان انجام فعالیت اقتصادی در نوجوانی و جوانی- پائین بودن علاقه مندی جهت بکارگیری فناوری های نوین- پائین بودن خلاقیت شخصی جهت انجام کارهای اقتصادی- پائین بودن تجربه کاری در واحدهای تولیدی- نبود ایده کارآفرینی - نبود روحیه کارآفرینی- نبود تجربه ایجاد کسب و کار جدید- پائین بودن اعتماد به آشنایان و دوستان جهت انجام کار گروهی- عدم استقبال از ایده های نوین شغلی- پائین بودن میزان مسئولیت پذیری- پائین بودن ریسک پذیرش شغل جدید
اقتصادی	عدم امکان تغییر شغل در محیط روستا - پائین بودن آشنایی با نیازهای جدید بازار کار - نبود فرصت های کاری مناسب در روستا - پائین بودن وجود انگیزه جهت پیشرفت شغلی - عدم امکان دسترسی به اعتبارات مالی - نبود اعتبارات مالی مناسب از نظر نرخ سود- پائین بودن فرصت های شغلی در بخش کشاورزی- پائین بودن دسترسی به خدمات فنی مناسب- بالا بودن میزان فقر روستایی- عدم امکان دریافت اعتبارات سرمایه ای- پائین بودن به کارگیری مکانیزاسیون در فرایند تولید محصول- پائین بودن ارائه مشوق های اقتصادی از قبیل بخشش دیرکرد تسهیلات از سوی بانک- پائین بودن میزان دسترسی به نهاده های تولیدی- پائین بودن سودآوری فعالیت های اقتصادی در روستا- انتقال سرمایه مالی توسط روستائیان به شهر - پائین بودن سرمایه مالی لازم جهت کارآفرینی- پائین بودن دسترسی به عوامل تولیدی
اجتماعی و فرهنگی	ساختار سنی سالمند در روستا- مهاجرت جوانان روستایی به شهر- پائین بودن میزان فعالیت دهیاری و شورای اسلامی روستا جهت ایجاد بسترهای کارآفرینی- پائین بودن حضور مروجان جهت آموزش در زمینه کارآفرینی- پائین بودن حمایت از سوی نهادهای مسئول و متولیان بخش کشاورزی- پائین بودن وجود تشکل ها و اتحادیه ها در حوزه های مختلف کسب و کار - پائین بودن همکاری میان شورای اسلامی با مردم روستا- پائین بودن احساس تعلق مکانی میان جوانان روستا- پائین بودن روحیه کار گروهی در میان روستائیان- پائین بودن علاقه مندی جهت فعالیت در بخش کشاورزی- پائین بودن زمینه های فعالیت زنان و دختران روستایی- پائین بودن استقبال مدیران بانک ها از ایده های نو کارآفرینی- پائین بودن سطح سواد روستائیان
زیرساختی	حاصل خیزی خاک، مسطح و یکپارچه نبودن اراضی کشاورزی- نبود زیرساخت های فیزیکی مناسب در روستا- نبود زیرساخت های عمومی مناسب در روستا- نبود زیرساخت های نوین (دفاکتر ICT)- وقوع مداوم سوانح طبیعی مانند سیل و زلزله و خشکسالی در روستا- پائین بودن تجهیزات مدرن مکانیزاسیون در روستا-

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

4 یافته‌های تحقیق

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد، میانگین سنی این افراد برابر با 45.7 سال، متوسط بعد خانوار 4.4 نفر، از نظر تحصیلات 38.3 درصد بی‌سواد، 22.3 درصد سواد دوره ابتدایی، 20.2 درصد دارای سواد دوره راهنمایی و دبیرستان، 14.9 درصد دیپلم و 4.3 درصد هم بالاتر از دیپلم تحصیلات داشته‌اند. متوسط اراضی دیم این افراد برابر 3.4 هکتار و متوسط اراضی آبی هم برابر با 1.3 هکتار بوده است.

در تحقیق حاضر، به منظور تحلیل مهمترین موانع توسعه کارآفرینی از آزمون آماری تحلیل عاملی استفاده گردیده است. به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل در مهمترین موانع توسعه کارآفرینی، از آزمون بارتلت و شاخص KMO بهره گرفته شد. معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان 99 درصد و مقدار مناسب KMO حاکی از همبستگی و مناسبت متغیرهای مورد نظر برای انجام تحلیل عاملی است (جدول 2).

جدول شماره (2): آزمون بارتلت در سطح معنی داری

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی داری
مهمترین موانع توسعه کارآفرینی	.734	1306.24	.000

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

به منظور تحلیل متغیرهای مورد بررسی، به تعیین عوامل پرداخته شده است. بدین صورت که متغیرهای بارگذاری شده در هر عامل که بالای 0.5 هستند یک عامل را تشکیل می‌دهند و متغیرهایی که امکان تجمع با مولفه‌ها را ندارند عامل دیگری را تشکیل می‌دهند. نتیجه حاصل از تقلیل 56 متغیر 6 عامل بوده است که در جدول 3 آورده شده است.

جدول شماره (3): عوامل اصلی مورد مطالعه

نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
اقتصادی، فردی و زیرساختی	7.229	13.64	13.64
اجتماعی، اقتصادی و فردی	6.202	11.702	25.343
اجتماعی و زیرساختی	6.081	11.473	36.816
اقتصادی	5.28	9.963	46.778
اقتصادی و اجتماعی	4.215	7.953	54.731
فردی و اقتصادی و زیرساختی	4.055	7.65	62.381
اقتصادی و فردی	3.590	6.773	69.154

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

4-1 تجزیه و تحلیل عامل‌ها

4-1-1 عامل اقتصادی، فردی و زیرساختی

مقدار ویژه این عامل 7.229 می‌باشد که به تنهایی قادر است 13.64 درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل 16 متغیر بارگذاری شده است. از میان 16 متغیر مورد بررسی در این عامل متغیر پائین بودن سودآوری فعالیت‌های اقتصادی در روستا با بار عاملی 0.815، انتقال سرمایه مالی توسط روستائیان به شهر با بار عاملی 0.813 و متغیر پائین بودن میزان دسترسی به نهاده‌های تولیدی بار عاملی 0.916، در عامل "اقتصادی، فردی و زیرساختی" به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی شناخته شدند (جدول 4).

جدول شماره (4): متغیرهای بارگذاری شده در عامل اول

بار عاملی	متغیر
0.619	عدم آمادگی جهت پذیرش دیدگاه‌های مروجان
0.642	پائین بودن علاقه مندی جهت ایجاد کار جدید
0.584	عدم آشنایی با کامپیوتر و اینترنت
0.478	پائین بودن اعتماد به آشنایان و دوستان جهت انجام کار گروهی
0.806	عدم استقبال از ایده های نوین شغلی
0.683	پائین بودن آشنایی با نیازهای جدید بازار کار
0.571	پائین بودن وجود انگیزه جهت پیشرفت شغلی
0.670	عدم امکان دریافت اعتبارات سرمایه ای
0.807	پائین بودن میزان دسترسی به نهادهای تولیدی
0.815	پائین بودن سودآوری فعالیت های اقتصادی در روستا
0.813	انتقال سرمایه مالی توسط روستائیان به شهر
0.916	پائین بودن دسترسی به عوامل تولیدی
0.576	پائین بودن روحیه کار گروهی در میان روستائیان
0.381	پائین بودن استقبال مدیران بانکها از ایده‌های نو کارآفرینی
0.415	حاصل خیز، مسطح و یکپارچه نبودن اراضی کشاورزی
0.673	نبود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در روستا

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

2-1-4) عامل فردی، اقتصادی و اجتماعی

مقدار ویژه این عامل 6.202 می باشد که به تنهایی قادر است 13.64 درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل 9 متغیر بارگذاری شده است. از میان 9 متغیر مورد بررسی در این عامل متغیر نبود روحیه کارآفرینی با بار عاملی 0.712 و متغیر ساختار سنی سالمند در روستا با بار عاملی 0.693، در عامل "فردی، اقتصادی و اجتماعی" به عنوان مهمترین موانع توسعه کارآفرینی شناخته شدند (جدول 5).

جدول شماره (5): متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم

بار عاملی	متغیر
0.570	عدم تمایل جهت شرکت در کلاس‌های کارآفرینی
0.562	پائین بودن علاقه‌مندی جهت بکارگیری فناوری‌های نوین
0.453	پائین بودن خلاقیت شخصی جهت انجام کارهای اقتصادی
0.712	نبود روحیه کارآفرینی
0.687	پائین بودن میزان مسئولیت‌پذیری
0.693	ساختار سنی سالمند در روستا
0.630	پائین بودن همکاری میان شورای اسلامی با مردم روستا
0.493	پائین بودن علاقه‌مندی جهت فعالیت در بخش کشاورزی
0.484	پائین بودن زمینه‌های فعالیت زنان و دختران روستایی

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

3-1-4) اجتماعی و زیرساختی

مقدار ویژه این عامل 6.081 می‌باشد که به تنهایی قادر است 11.473 درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل 5 متغیر بارگذاری شده است. از میان 5 متغیر مورد بررسی در این عامل متغیر وقوع مداوم سوانع طبیعی مانند سیل و زلزله و خشکسالی در روستا با بار عاملی 0.677 و متغیر نبود زیرساخت‌های عمومی مناسب در روستا با بار عاملی 0.667 در عامل "اجتماعی و زیرساختی" به عنوان مهمترین موانع توسعه کارآفرینی شناخته شدند (جدول 6).

جدول شماره (6): متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم

بار عاملی	متغیر
-0.494	پائین بودن همکاری میان مردم روستا
-0.622	پائین بودن وجود تشکل‌ها و اتحادیه‌ها در حوزه‌های مختلف کسب و کار
-0.616	پائین بودن سطح سواد روستائیان
-0.667	نبود زیرساخت‌های عمومی مناسب در روستا
-0.677	وقوع مداوم سوانع طبیعی مانند سیل و زلزله و خشکسالی در روستا

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

4-1-4) اقتصادی

مقدار ویژه این عامل 5.28 می‌باشد که به تنهایی قادر است 9.963 درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل 5 متغیر بارگذاری شده است. از میان 5 متغیر مورد بررسی در این عامل متغیر پائین بودن احساس تعلق مکانی میان جوانان روستا با بار عاملی 0.669 و متغیر نبود فرصت‌های کاری مناسب در روستا با بار عاملی 0.669 در عامل "اقتصادی" به عنوان مهمترین موانع توسعه کارآفرینی شناخته شدند (جدول 7).

جدول شماره (7): متغیرهای بارگذاری شده در عامل چهارم

بار عاملی	متغیر
0.627	نبود فرصت‌های کاری مناسب در روستا
0.520	مهاجرت جوانان روستایی به شهر
0.699	پائین بودن احساس تعلق مکانی میان جوانان
0.563	پائین بودن دسترسی به خدمات فنی مناسب
0.563	پائین بودن تجهیزات مدرن مکانیزاسیون در روستا

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

4-1-5) اقتصادی و اجتماعی

مقدار ویژه این عامل 4.215 می‌باشد که به تنهایی قادر است 7.953 درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل 5 متغیر بارگذاری شده است. از میان 7 متغیر مورد بررسی در این عامل متغیر بالا بودن میزان فقر روستایی با بار عاملی 0.657 و متغیر پائین بودن سرمایه مالی لازم جهت کارآفرینی با بار عاملی 0.603 در عامل "اقتصادی و اجتماعی" به عنوان مهمترین موانع توسعه کارآفرینی شناخته شدند (جدول 8).

جدول شماره (8): متغیرهای بارگذاری شده در عامل پنجم

بار عاملی	متغیر
0.657	بالا بودن میزان فقر روستایی
0.537	پائین بودن ارائه مشوق های اقتصادی از قبیل بخشش دیرکرد تسهیلات از سوی بانک
0.603	پائین بودن سرمایه مالی لازم جهت کارآفرینی
0.531	پائین بودن میزان فعالیت دهیاری و شورای اسلامی روستا جهت ایجاد پستهای کارآفرینی
0.565	پائین بودن حمایت از سوی نهادهای مسئول و متولیان بخش کشاورزی

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

4-1-6) فردی و اقتصادی و زیرساختی

مقدار ویژه این عامل 4.055 می‌باشد که به تنهایی قادر است 7.65 درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل 7 متغیر بارگذاری شده است. از میان 7 متغیر مورد بررسی در این عامل متغیر نبود تجربه ایجاد کسب و کار جدید با بار عاملی 0.620 و متغیر پائین بودن تجربه کاری در واحدهای تولیدی با بار عاملی 0.539 در عامل "فردی و اقتصادی و زیرساختی" به عنوان مهمترین موانع توسعه کارآفرینی شناخته شدند.

جدول شماره (9): متغیرهای بارگذاری شده در عامل ششم

بار عاملی	متغیر
0.539	پائین بودن تجربه کاری در واحدهای تولیدی
0.491	نبود ایده کارآفرینی
0.620	نبود تجربه ایجاد کسب و کار جدید
0.419	نبود اعتبارات مالی مناسب از نظر نرخ سود
0.469	پائین بودن به کارگیری مکانیزاسیون در فرایند تولید محصول
0.476	پائین بودن حضور مروجان جهت آموزش در زمینه کارآفرینی
0.343	نبود زیرساخت‌های نوین

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

7-1-4) اقتصادی و فردی

مقدار ویژه این عامل 3.590 می‌باشد که به تنهایی قادر است 6.773 درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل 4 متغیر بارگذاری شده است. از میان 4 متغیر مورد بررسی در این عامل متغیر پائین بودن ریسک پذیرش شغل جدید با بار عاملی 0.642 و متغیر عدم امکان تغییر شغل در محیط روستا با بار عاملی 0.411 در عامل "اقتصادی و فردی" به عنوان مهمترین موانع توسعه کارآفرینی شناخته شدند.

جدول شماره (10): متغیرهای بارگذاری شده در عامل هفتم

بار عاملی	متغیر
0.350	عدم انتقال انتقال تجارب شخصی روستائیان در زمینه کارآفرینی
0.346	فقدان انجام فعالیت اقتصادی در نوجوانی و جوانی
0.642	پائین بودن ریسک پذیرش شغل جدید
0.411	عدم امکان تغییر شغل در محیط روستا

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

5) نتیجه‌گیری

کارآفرینی با کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها، پیش‌بینی و ارزیابی ریسک‌ها، تغییر و نوآوری در تولید کالاها و خدمات، ابتکار برای تغییر ساختارهای قدیمی و خلق ایده‌های جدید، مرزها و موانع موجود را شکسته و مسیرهای جدید و پویایی را جهت توسعه و پیشرفت فراهم می‌سازد. بنابراین هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از کارآفرینی نبوده، اما نکته مهم در خلق مسیرهای جدید جهت پیشرفت شناخت فرصت‌ها و محدودیت‌ها در مسیر کارآفرینی می‌باشد. بنابراین مقاله عوامل و متغیرهای لازم جهت کارآفرینی در جوامع روستایی را مورد مطالعه قرار داده است. بدین منظور نمونه مورد مطالعه در زمینه کارآفرینی با محدودیت‌هایی روبرو بوده که مهمترین آنها عبارتند از: پائین بودن احساس تعلق مکانی میان جوانان روستا، نبود فرصت‌های کاری مناسب در روستا، میزان فقر روستایی و پائین بودن سرمایه مالی، نبود تجربه ایجاد کسب و کار جدید و پائین بودن تجربه کاری در واحدهای تولیدی، پائین بودن ریسک پذیرش شغل جدید و عدم امکان تغییر شغل در محیط روستا. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که عمده محدودیت‌ها در زمینه کارآفرینی روستایی مربوط به عوامل اقتصادی می‌شود. هم‌چنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که منابع زیست محیطی و نگرش مثبت روستائیان نسبت به فعالیت‌های جدید از جمله فرصت‌های موجود می‌باشد. بنابراین برنامه‌ریزی و حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه در روستاها گسترش این فعالیت‌ها را سبب می‌گردد.

(6) منابع

- افتخاری، عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمدالله، رضوی، حسن (1389)، راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره 3، صص: 29-1.
- افتخاری، عبدالرضا، طاهرخانی، مهدی، سجاسی قیداری، حمدالله (1388)، تحلیل ابعاد و عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال 12، شماره 3، صص: 72-43.
- دربان آستانه، علیرضا، قدیری معصوم، مجتبی، فیروزی، محمدعلی (1391)، بررسی ارتباط بین عملکرد سازمانی و مهارت‌های کارآفرینی مدیران محلی روستایی (مطالعه موردی دهیاران استان قزوین). پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره یکم، صص: 59-27.
- خانی، فضیله، رضوانی، محمدرضا، ایمنی قشلاق، سیاوش، بوذرجمهری، خدیجه (1390)، تحلیل نقش گردشگری در توسعه‌ی ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 78، صص: 195-169.
- رضوانی، محمدرضا، نجارزاده (1387)، بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، صص: 182-161.
- محمدی یگانه، بهروز و همکاران، (1391)، تحلیلی بر فضای کارآفرینی روستاییان دریافت کننده اعتبارات خرد کشاورزی، جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، شماره 11، صص 293-286.
- صالحی، سعید و برادران، مسعود، (1386)، راهکارهای بکارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی، ماهنامه ی جهاد، شماره 247، صص 205-183.
- غنیان، منصور، خانی، فضیله، بقایی، لیلا (1390)، ارزیابی فضای کارآفرینی در گردشگری روستایی (مطالعه موردی: منطقه اورامان)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره سوم، صص: 123-99.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، بدری، علی، سجاسی قیداری، حمدالله، صادقلو، طاهره، شهدادی، علی (1390)، ارزیابی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومتی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 75، صص: 68-53.
- هاشمی، سعید (1390)، تبیین نقش نهادهای محلی در توسعه کارآفرینی روستایی، پایان نامه دکتری جغرافیا، دانشگاه تهران.
- Agarwal, Bina (1983), **Diffusion of rural innovations: some analytical issues and the case of wood-burning stoves**, World development, Vol. 11, No. 4, pp: 359-376.
- Azizi, B., Hosseini, F. J., Hosseini, M. and Mirdamadi, M. (2010). "Factors influencing the development of entrepreneurial education in Iran's applied-scientific educational centers for agriculture". American Journal of Agricultural and Biological Sciences, Vol, 5 (1), PP. 77-83.
- Brenkert, George (2009), **Innovation, rule breaking and the ethics of entrepreneurship**, Journal of business venturing, Vol. 24, Issue 5, pp: 448-464.
- Banerjee A, Duflo E, Glennerster R and Kinnan C (2009), "The Miracle of Microfinance? Evidence from a Randomized Evaluation", Working Paper, May, Department of Economics, Massachusetts Institute of Technology (MIT).

- Entrialgo, Montserrat, and Fernandez, Esteban, vazquea, Camilo (2000), **Linking entrepreneurship and strategic management: evidence from Spanish SMEs**, Technovation, Vol. 20, Issue 8, pp: 427-436.
- Gries, Thomas, Naude, Wim (2011), **Entrepreneurship and human development: a capability approach**, Journal of public economic, Vol. 95, Issues 3-4, pp: 216-224.
- Gunes, Serkan (2012), **Design entrepreneurship in product design education**, Procedia-social and behavirol sciences, Vol. 51, pp: 64-68.
- Hall, Jeremy, Daneke, Gregory, Jenox, Michael (2010), **Sustainable development and entrepreneurship: past contributions and future directions**, Journal of business venturing, Vol. 25, issue 5, pp: 439-448.
- Landstrom, Hans, Harirchi, Gouya, Astrom, Fredrik (2012), **Entrepreneurship: exploring the knowledge base**, Research policy, Vol. 41, Issue 7, pp: 1154-1181.
- Lordkipanidze, Maia, Brezet, Han, Backman, Mikael (2005), **The entrepreneurship factor in sustainable tourism development**, Journal of cleaner production, Vol. 13, Issue 8, pp: 787-798.
- Naudé, W.A. (2009), **Entrepreneurship, Developing Countries, and Development Economics: New Approaches and Insights**. Small Business Economics (in press) DOI 10.1007/s11187-009-9198-2.
- Marsden, Terry, Smith, Everard (2005), **Ecological entrepreneurship: sustainable development in local communities through quality food production and local branding**, Geoforum, Vol. 36, Issue 4, pp: 440-451.
- Martin, Bruce, McNally, Jeffrey, Kay, Michael (2012), **Examining the formation of human capital in entrepreneurship: a meta-analysis of entrepreneurship education outcomes**, Journal of business venturing, Vol. 28, Issue 2, pp: 211-224.
- Minniti, Maria, Levesque, Moren (2008), **Recent developments in the economics of entrepreneurship**, Journal of business venturing, Vol. 23, Issue 6, pp. 603- 612.
- Oosterbeek, H., Van, P. M., and Auke, I. (2010). **“The Impact of Entrepreneurship Education on Entrepreneurship Skills and Motivation”**. European Economic Review. Vol, 54, PP. 442-454.
- Poon, Jessie, Thai, Diep, Naybor, Deborah (2012), **Social capital and female entrepreneurship in rural regions: evidence from Vietnam**, Applied geography, Vol. 35, Issues 1-2, pp: 308-315.
- Salleh, Musdiana Mohammad,(2011), **Rural Entrepreneurship: Opportunities and challenges of rural enterprises MICRO (SME) in Malaysia**, Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, VOL 2, NO 11,pp 573-585.
- Rijkers, Bob, Costa, Rita (2012), **Gender and rural non-farm entrepreneurship**, World development, Vol. 40, No. 12, pp: 2411-2426.